

The Model of Ruler's Education in the Thought of Khaje Nasiroddin Tusi

Mahdi Khazaei Ghask¹ | Hasan Majidi²

Abstract

In the thought of Khaje Nasiroddin Tusi, rulers have a special role and place, so that he considers the consistency of modernity to be a king, and the ruler is the doctor of the society, and people follow the way of their king. From the importance and position of the ruler in Khawaja Nasir's thought, we can reach the importance and necessity of the education of the ruler, because if the ruler is educated, he will bring about the good and health of the society, otherwise, he can destroy the society and the government. draw Without the righteousness of the rulers, the people will not become righteous, and since religion is the rule and foundation, and property is the pillar and foundation; Therefore, if the pillar is not worthy, religion cannot be either. Based on this, the current research, with the documentary method, which is considered as one of the qualitative methods, seeks to analyze the pattern of education of governors in the thought of Khwaja Nasir and wants to answer the main question that "the pattern of education of governors in the thought of Khaje Nasiroddin Tusi." What is?" In this research, which is not a hypothesis test, the leader training model in his thought has been analyzed in the dimensions of basics, principles, characteristics of the desired leader, methods, factors and obstacles of leader training, and finally it comes to the conclusion that the leader training model in His thought is based on five pillars: virtue, imamate, wisdom, justice and love. Virtue can be considered as the axis of the three pillars of wisdom, justice and love. In other words, ruler's education is "virtue-oriented" in his view, and since in his view, the close connection between "virtue" and "leadership" is evident, it can be said that wisdom, justice and love with the centrality of virtue lead to the top. Imamate forms his thought system in the field of the education of the leader.

Keywords: Education, Ruler's Education, Khaje Nasiroddin Tusi, Islamic Wisdom, Moral Policy.

3

Vol. 1
Autumn 2022

Research Paper

Received:
07 March 2022
Accepted:
05 September 2022
P.P: 135-163



1. Corresponding Author: PhD in Political Science, Imam Sadegh University (AS), Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Political Science, Imam Sadegh University (AS), Tehran, Iran.



الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی

مهدی خزاعی کسک^۱ | حسن مجیدی^۲

چکیده

در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی، زمامداران نقش و جایگاه خاص دارند، به طوری که او قوام مَدَن را به مَلِک می‌داند و حاکم، طیب جامعه است و مردم به سیره ملوک خود اقتدا می‌کنند. از اهمیت و جایگاه زمامدار در اندیشه خواجه نصیر می‌توان به اهمیت و ضرورت تربیت زمامدار رسید چرا که اگر زمامدار، تربیت یافته باشد، موجب صلاح و سلامت جامعه می‌گردد، در غیر این صورت می‌تواند جامعه و حکومت را به تباهی بکشاند. بدون صلاح حاکمان، مردم صالح نخواهند شد و چون دین، قاعده و بنیان است و مُلک، رکن و اساس؛ پس اگر رکن، شایسته نباشد، دین نیز نمی‌تواند باشد.

بر این اساس پژوهش حاضر با روش اسنادی که جزو روش‌های کیفی محسوب می‌گردد، در پی تحلیل الگوی تربیت زمامداران در اندیشه خواجه نصیر است و می‌خواهد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که «الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی چیست؟» در این پژوهش که فرضیه‌آزما نیست، الگوی تربیت زمامدار در اندیشه وی در ابعاد مبانی، اصول، ویژگی‌های زمامدار مطلوب، روش‌ها، عوامل و موانع تربیت زمامدار احصاء شده است و در نهایت به این نتیجه ختم می‌گردد که الگوی تربیت زمامدار در اندیشه وی بر پنج رکن استوار است: فضیلت، امامت، حکمت، عدالت و محبت. فضیلت را می‌توان محور سه رکن حکمت، عدالت و محبت در نظر گرفت. به عبارت دیگر تربیت زمامدار در نگاه او «فضیلت‌مدار» است و از آن‌جا که در نگاه او ارتباط تنگاتنگ بین «فضیلت» و «امامت» مشهود است، می‌توان گفت حکمت، عدالت و محبت با مرکزیت فضیلت، به سمت قله امامت، نظام اندیشه‌ای وی در زمینه تربیت زمامدار را شکل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت زمامدار، خواجه نصیرالدین طوسی، حکمت اسلامی، سیاست اخلاقی

Mahdi110khazaie@gmail.com

۱. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

مقدمه

بیان مسأله

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ه.ق؛ ۱۲۰۰ - ۱۲۷۳ م) از فیلسوفان قرن ششم و هفتم هجری قمری است. او با تصرف ایران توسط مغولان به دربار مغولان رفت و در کنار مشورت‌های حکومتی، در رصدخانه به ترویج علوم عقلی و تألیف کتب کلامی در اثبات حقانیت مذهب امامیه اثناعشری پرداخت. (یوسفی‌راد، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳) عمده‌ترین اثر سیاسی وی اخلاق ناصری است؛ البته در کتب کلامی وی مانند تجرید الاعتقاد و رساله امامت نیز به مسئله امامت پرداخته است. (یوسفی‌راد، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴)

در اندیشه خواجه نصیر، زمامدار جایگاه مهمی دارد. این اهمیت را می‌توان در نسبت و تأثیر او با مردم تبیین کرد. به طوری که در نگاه او مردم طبق حدیث شریف «النَّاسُ بِأُمَرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۴۶) به سیره ملوک خود اقتدا می‌کنند. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۷-۲۵۸) همچنین در اندیشه وی قوام مُدن به مَلِک است. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۶) او حاکم را طیب جامعه می‌داند که نشان از اهمیت زمامدار دارد؛ لذا کسی استحقاق زمامداری را دارد که بتواند مریضی جامعه را درمان کند و برای حفظ سلامتی آن توانا باشد. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۰) از اهمیت و جایگاه زمامدار در اندیشه خواجه‌نصیر می‌توان به اهمیت و ضرورت تربیت زمامدار رسید؛ چراکه وقتی زمامدار این اثر و نقش را دارد، تربیت او در مسیر صحیح نیز اهمیت می‌یابد. وقتی زمامدار تربیت یافته موجبات صلاح جامعه را فراهم می‌کند و عکس آن منجر به گسترش فساد می‌گردد، پس ضروری است برای تربیت زمامدار مطلوب، تلاش نظری و عملی نمود. بر این اساس می‌بایست ابعاد نظری و عملی تربیت زمامدار را ترسیم و تبیین نمود که موضوع این پژوهش است.

اهمیت و ضرورت

در اندیشه خواجه دین و ملک به یکدیگر وابسته هستند. خواجه در این زمینه به گفته اردشیر بابک استناد می‌کند که «دین و مُلک توأمان هستند، یکی از این دو، جز با دیگری کامل نمی‌گردد.» زیرا دین قاعده و بنیان است و مُلک رکن؛ پس دین بی مُلک نفع و سودی ندارد و مُلک

بی‌دین نیز واهی می‌باشد. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۲) همچنین قوام مدینه به زمامدار آن است؛ بنابراین اگر زمامدار، تربیت یافته باشد، موجب صلاح و سلامت جامعه می‌گردد، در غیر این صورت می‌تواند جامعه و حکومت را به تباهی بکشاند. از سویی دیگر یکی از نیازهای امروز سیاست اخلاقی و تأکید بر فضیلت در سیاست است. توجه به این مهم با تکیه به تراث و حکمت اسلامی از ویژگی‌های این نوشته می‌باشد. از آن‌جا که خواجه جزو متفکران بزرگ شیعه است و اندیشه او از حیث کلامی، فلسفی و اخلاقی جایگاه ویژه دارد، اهمیت پرداختن به اندیشه وی را مضاعف می‌کند.

اهداف

با توجه به اهمیت و ضرورتی که تربیت زمامدار در اندیشه خواجه‌نصیر دارد، این نوشتار با هدف تبیین اندیشه خواجه‌نصیرالدین طوسی در زمینه تربیت زمامدار، می‌خواهد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که «الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه‌نصیرالدین طوسی چیست؟» ذیل آن، سؤالات فرعی زیر طرح می‌گردد: اهداف، مبانی، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیت زمامدار در اندیشه خواجه‌نصیر چیست؟ پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست.

پیشینه پژوهش

منابع مرتبط با پژوهش حاضر در اندیشه خواجه‌نصیر را می‌توان در دو دسته و به شرح زیر تقسیم نمود: یک. اندیشه خواجه در نسبت تربیت و اخلاق با سیاست؛ دو. اندیشه سیاسی.

جدول ۱. پیشینه موضوع

رویکرد منبع	عنوان منبع	نویسنده منبع	محور موضوعی منبع	اشتراک منبع با پژوهش حاضر
اندیشه خواجه‌نصیر در نسبت تربیت، اخلاق و سیاست	درآمدی تاریخی بر حکمت سیاسی خواجه‌نصیرالدین طوسی	محمد رضا پاک	عملکرد سیاسی و گفتمان عدالت در اندیشه خواجه	عدالت در اندیشه خواجه
	بررسی رویکرد اخلاقی تربیتی سیاست ملان در دو کتاب اخلاق ناصری و نصیحه الملوک بر مبنای قرآن و روایات	علی قانع فر	بررسی نسبت اخلاق و سیاست مدن در اخلاق ناصری و نصیحه الملوک	رابطه حاکم و رعیت و عدالت حاکم

رویکرد منبع	عنوان منبع	نویسنده منبع	محور موضوعی منبع	اشتراک منبع با پژوهش حاضر
اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی در نسبت‌زبیت، اخلاق و سیاست	حکمت عملی از منظر ابن مسکویه و خواجه نصیرالدین طوسی	اکرم جنگل نورد	تکیه بر فضایل حکمت، عفت، شجاعت و عدالت و رعایت اعتدال در آنها	توجه به حکمت و عدالت
	بررسی و تحلیل حکمت عملی در شاهنامه‌ی فردوسی بر اساس اخلاق ناصری	بشری عبدالله‌زاده بغلانی	بیان برتری حکمت عملی فردوسی بر خواجه نصیر	اهداف تربیت و برخی فضایل
	نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی	مهدی نادری باب اناری	مقایسه نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه دو متفکر	هدف حکمرانی
	جدال اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی	فرشاد شریعت و مهدی نادری باب اناری	خلاصه پایان نامه‌ی فوق (مقایسه نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه دو متفکر)	هدف حکمرانی
	بررسی اندیشه‌های سیاسی میرسیدعلی همدانی و مقایسه آن با اندیشه‌های خواجه نصیر و نجم رازی	ناهد باقر	بررسی کلیات اندیشه سیاسی دو متفکر	مباحث جزئی چون تبعیت از حاکم و وظایف حاکم و مردم
اندیشه سیاسی خواجه نصیر	مطالعه تطبیقی نظریه دولت در اندیشه ماوردی و خواجه نصیرالدین طوسی	امیرحسین بکائیان	توجه به تفاوت آراء این دو متفکر در زمینه دولت و مبنای مشروعیت و قدرت	-
	مطالعه تطبیقی مبانی نظریه حکومت در آراء خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی	سمانه امینی	بررسی مبنای مشروعیت و قدرت و نقش مردم در انتخاب حاکم	برخی ویژگی‌های حاکم

رویکرد منبع	عنوان منبع	نویسنده منبع	محور موضوعی منبع	اشتراک منبع با پژوهش حاضر
فصلنامه علمی نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)	فلسفه سیاسی ابن سینا و مقایسه با آراء فارابی و خواجه نصیر	مریم قنبری نژاد	بیان فلسفه سیاسی خواجه و مقایسه با فارابی و ابن سینا	بیان سیاست ملک
	فلسفه سیاسی ابن سینا و آراء آن با خواجه نصیرالدین طوسی	علی مرتضایی	بیان فلسفه سیاسی خواجه و مقایسه با ابن سینا	-
	نظریه‌ی حکومت در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک، نصیحه‌الملوک غزالی، گلستان سعدی و اخلاق ناصری	فراح الدین نجوم	بیان خرد، عدل، محبت و وحدت به عنوان بنای حکومت	ارتباط بنای حکومت با برخی مبانی تربیت زمامدار
	فلسفه سیاسی از منظر اخوان الصفا و خواجه نصیرالدین طوسی	زیبب زنگیوند درویشوند	مقایسه فلسفه سیاسی خواجه نصیر و اخوان الصفا	برخی ویژگی‌های زمامدار مطلوب، برخی مبانی سیاست
	نخچه‌گرایی کلاسیک: مطالعه‌ی فارابی، ابن باجه و خواجه نصیرالدین طوسی	میثم شیروانی	بررسی روش، رهیافت و اصول و مبادی اندیشه مدنی و سیاسی ابن سہ فیلسوف برای ساختار مدنی جامعه معاصر و جایابی مطلوب نخبگان در آن	جایگاه و نقش حاکم در اندیشه خواجه
	پیوستگی دین و سیاست در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	بهرام منتظری	بررسی نسبت دین و سیاست	برخی ویژگی‌های زمامدار مطلوب
	پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی	رضا خراسانی	بررسی نسبت دین و سیاست	اهمیت نقش زمامدار، بررسی محبت و عدالت در نظام سیاسی

رویکرد منبع	عنوان منبع	نویسنده منبع	محور موضوعی منبع	اشتراک منبع با پژوهش حاضر
تربیت زمامدار	کارویژه‌های دولت از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی (با تاکید بر امنیت نظامی)	جهانگیر شریعت	راهبردهای امنیتی دولت در اندیشه خواجه	برخی ویژگی‌های زمامدار مطلوب
	دولت کارآمد در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی	محسن رضوانی	نظریه کارآمدی دولت با بررسی انواع سیاست، ویژگی‌های حاکم، سیاستگذاری‌ها و ...	برخی ویژگی‌های حاکم و اصول حکمرانی
	مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی	حسین رضایی خردمردی	مبادی، بنیان‌ها، اصول و سازوکارهای مدیریت سیاسی	برخی ویژگی‌های حاکم و اصول حکمرانی
	اندیشه سیاسی خواجه نصیر	مرتضی یوسفی راد	بررسی ابعاد اندیشه سیاسی وی	برخی مبانی فلسفی کلان

بررسی منابع فوق تحقیق‌پذیر بودن موضوع این پژوهش را نشان می‌دهد، همچنین نوآوری آن را اثبات می‌کند؛ چرا که این پژوهش‌ها تنها به برخی دیگر وجوه اندیشه خواجه پرداخته‌اند و موضوع «تربیت زمامدار» در اندیشه وی را بررسی نکرده‌اند. در زمینه ویژگی‌های زمامدار یا اهداف یا برخی موارد دیگر علاوه بر اینکه رویکرد آن‌ها با موضوع تربیت زمامدار نسبتی برقرار نکرده، به چند مصداق محدود بسنده شده است. پژوهش حاضر تلاشی است در جهت اینکه خلأ موجود در نگاه جامع به اندیشه خواجه جهت تبیین کلان‌الگوی تربیت زمامدار در اندیشه وی با تبیین اهداف، مبانی، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیت زمامدار برطرف گردد.

مبانی مفهومی

در این بخش مفاهیم تحقیق که شامل الگو، تربیت، زمامدار و تربیت زمامداران تعریف می‌شود.

تربیت

تعریف لغوی تربیت در فارسی «پروردن، پرورش دادن و اخلاق را به کسی آموختن» می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۵۰). تربیت در زبان عربی از ماده «ر ب و» یا «ر ب ب» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰). ریشه «ر ب و» به معنی زیادت و «برآمدگی» و «زیادی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۸۳). ریشه «ر ب ب» دو عنصر را برای تربیت مهیا می‌سازد: مالکیت و تدبیر. البته باید گفت که میان مشتقات این دو شباهت‌های زیادی وجود دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۳۰۷). بنابراین تربیت بنا بر ریشه خود به معنای فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۲). واژه education به عنوان معادل تربیت در زبان انگلیسی، با معانی گوناگون چون آیین تاریخ، آداب تربیت شاهزادگان، آموزش و پرورش و تربیت به کار رفته است (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲).

در تعریف اصطلاحی تربیت، نظرات گوناگونی ارائه شده است. برخی از این تعاریف عبارتند از: ملکه شدن فضایل (مطهری، ۱۳۶۴: ۵۶)، تأثیر موجودی بر موجود دیگر (میرهادی، ۱۳۷۲: ۵۰)، عقلانی و بصیرت‌گرا بودن (رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۹۲)، تهذیب و زدودن اخلاق ناپسند اخلاقی (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۲)، تلاش در جهت دوری از نیستی، توسعه هستی و دستیابی به هستی جاودانه (علم-الهدی، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۸)، شناخت و تن دادن به ربوبیت خداوند (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۶۱-۶۲) و پرورش استعداد‌های درونی انسان. (مصباح‌یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۳۲۲).

تعریف مختار تربیت در این پژوهش عبارت است از: پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد‌های درونی انسان. چرا که از یک سو نسبت به سایر تعاریف از جامعیت برخوردار است و از سوی دیگر با تعریف لغوی تربیت (فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش) نیز پیوند بیشتری دارد.

زاممدار

زاممدار یعنی سیاستمدار و پیشوا و «کسی که زمام امور کشور را در دست دارد». می‌توان برای زمامدار تعریف عام در نظر گرفت که به معنی هر کسی است که مدیریتی را به عهده دارد، حال ممکن است این مسئولیت در رده بالا یا پایین باشد. در تعریف خاص، زمامدار کسی است که مسئولیت‌های سیاسی مهم‌تری را به عهده دارد و مسئول تصمیم‌گیری و اجرا در سطح کلان باشد.

در تعریف اخص زمامدار منظور کسی است که رتبه یک مدیران کشور باشد که به عنوان مثل می توان ولی فقیه و رؤسای قوا را مثال زد. در این نوشته منظور از زمامدار همان تعریف خاص می باشد.

تربیت زمامدار

براساس تعریف مختار تربیت و زمامدار می توان گفت، تربیت زمامدار یعنی پرورش دادن و به فعلیت در آوردن استعداد های درونی مدیران درجه اول نظام سیاسی.

الگو

الگو^۱ نمایش نظری و ساده شده ای از جهان واقعی است. به نظر لوی اشتراوس الگو سه خصوصیت دارد: ۱. ساخت مشخصات یک نظام را فراهم می کند و از عناصر متعددی تشکیل می شود که تغییر در یکی موجب تغییر در سایر اجزا شد. ۲. بتوان سلسله تغییراتی در آن ایجاد نمود و این تغییرات منتج به گروهی از الگوهایی از آن نوع بشود. ۳. الگو باید صریح و جامع باشد و تمام پدیده های مشاهده شده را قابل فهم کند. (عمو عبداللهی، ۱۳۹۳/۸/۲۴) با توجه به نظریات تربیتی، تعریف عملیاتی الگو در زمینه تربیت زمامدار شامل محورهای زیر است: اهداف، مبانی، اصول، ویژگی های زمامدار مطلوب، روش ها، عوامل و موانع. (ر. ک به مصباح یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۱۷)

مبانی نظری و الگوی تحلیل

الگوی تحلیل پژوهش حاضر مبتنی بر الگوی تربیت زمامدار است. الگوی تربیت زمامدار را می توان دارای سه ساحت دانست: ساحت نظری و ساحت عملی و هدف تربیت.

ساحت نظری الگوی تربیت زمامدار

ساحت نظری الگوی تربیت زمامدار شامل مبانی و اصول و ویژگی های زمامدار مطلوب است. به مجموعه قانون مندی هایی که در علوم نظری شناخته شده و تعلیم و تربیت بر آن تکیه دارد، مبانی گویند (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۷). مبانی، گزاره های خبری (توصیفی) هستند که از علوم

1. pattern

دیگری که بر تربیت تقدم منطقی دارند، آمده و اثبات می‌گردند. مبانی در بررسی مسائل تربیتی مانند اصول، روش‌ها، عوامل، موانع و ویژگی‌های مطلوب استفاده می‌شود (مصباح‌یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۸۴).

اصول، قواعدی تجویزی و کلی هستند که به منزله‌ی راهنمای عمل، «تدابیر تربیتی ما را هدایت می‌کنند» (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۷). اصول مبتنی بر مبانی تربیت اسلامی رابطه ضرورت بالقیاس میان فعالیت‌های حوزه تربیت با اهداف تربیت را بیان می‌کند و مخاطب آن‌ها دست‌اندرکاران تربیتی می‌باشند. (مصباح‌یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۲۹۷).

ویژگی‌های زمامدار مطلوب به خصوصیات ایجابی یا سلبی اشاره دارد که لازم است متربی (زمامدار موجود یا بالقوه) مزین به آن شده یا از آن بری باشد تا به عنوان زمامدار مطلوب تلقی گردد.

ساحت عملی الگوی تربیت زمامدار

ساحت عملی تربیت زمامدار شامل روش‌ها، عوامل و موانع تربیت می‌باشد. روش‌ها، فعالیت‌های اختیاری در حوزه تربیت زمامدار است که می‌توانند ما را به اهداف مطلوب در این حوزه نایل گردانند. (مصباح‌یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۴۵۰) روش‌ها در مقایسه با اصول دستورالعمل‌هایی جزئی‌تر می‌باشند (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲: ۸۸) و می‌توانند سلبی یا ایجابی باشند (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲: ۱۴). عوامل تربیت زمامدار به اموری به جز افعال گفته می‌شود که «می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، چندجانبه یا از جهتی خاص، با قصد یا بدون قصد و عموماً به تدریج در تحقق اهداف» تربیت زمامدار تأثیرگذار باشند. موانع تربیت زمامدار به امور حقیقتاً یا عرفاً موجود اطلاق می‌شود که در تحقق اهداف، تنها می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد (مصباح‌یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۳۸۷). عوامل و موانع بر اساس آن‌که از درون یا بیرون بر انسان اثرگذار هستند، به دورنی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

هدف تربیت زمامدار

نتیجه اثربخشی ساحت نظری و عملی تربیت، منجر به هدف تربیتی خواهد شد. منظور از هدف «نتیجه‌ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده، حصول آن از دیدگاه

صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و متریان، مطلوب است» (مصباح- یزدی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۲۱۳-۲۱۴). در این پژوهش منظور از هدف، نتیجه‌ای است که از برآیند ساحات نظری و عملی تربیت حاصل می‌گردد.

روش

روش مورد استفاده در این تحقیق اسنادی است. در روش اسنادی که روشی کیفی است پژوهشگر تلاش می‌کند با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام کند. (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴) روش اسنادی روش مشترک پارادایم‌های مختلف روشی است هرچند ریشه در سنت پارادایم تفسیری دارد. مفاهیم و نظریات درباره پدیده‌های اجتماعی در اسناد و متون بازتاب می‌یابد. روش اسنادی در نقد مکاتب و نظریه‌ها و همچنین بسط مفاهیم و گزاره‌های اساسی نظریات استفاده می‌شود. روش اسنادی پژوهشگر را درگیر میدان نمی‌کند. مراحل پژوهش اسنادی عبارتند از: ۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سوالات، ۲. بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش، ۳. انتخاب رویکرد نظری، ۴. گردآوری منابع، نمونه‌گیری و تکنیک‌های بررسی منابع، مرور نظام‌مند، طبقه‌بندی و جداول مفهومی، ۵. پردازش ارزیابی مجدد، نگارش و گزارش (جمع‌بندی و ارائه نقطه نظر). (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۷۱-۸۴) این پژوهش در پی آن است تا الگوی تربیت زمامداران در نگاه خواجه نصیر را استخراج نماید، لذا بر مبنای انتظار از الگو که خود قالب است، داده‌های مستخرج از اندیشه وی را جانمایی می‌کند. در ادامه الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی تبیین می‌شود.

اهداف تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

با توجه به اینکه هدف از تربیت زمامدار، تحقق زمامداری مطلوب است، می‌توان هدف نهایی از تربیت زمامدار را با هدف زمامداری مطلوب یکی دانست.

هدف غایی

سیاست مطلوب خواجه سیاست فاضله است که به آن امامت می‌گویند. هدف در این سیاست، تکمیل خلق و برای نیل به سعادت می‌باشد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۷-۲۵۸) در واقع می‌توان

گفت هدف غایی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر سعادت و تکمیل خلق است که در زمان ها و مکان‌های گوناگون و برای زمامدارن مختلف ثابت است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۲)

هدف میانی

حاکم در سیاست فاضله به عدالت رفتار می‌کند و شهر را مملو از خیرات عامه می‌کند که عبارتند از امنیت و آرامش و مودت با یکدیگر، عدل، عفاف، لطف و وفا و امثال آن‌ها. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۷-۲۵۸) بنابراین هدف میانی در اندیشه خواجه نصیر عدالت و نیل به خیرات عامه می‌باشد.

مبانی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

مبانی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر به شرح زیر است:

۱- فضیلت

در اندیشه خواجه نصیر فضیلت محوریت دارد. بر همین اساس سیاست مطلوب در نگاه او سیاست فاضله است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۷-۲۵۸) همچنین در اندیشه وی ذیل اقسام اجتماعات، مدن فاضله و غیرفاضله از یکدیگر متمایز کرده و به تبیین ریاست و زمامداری این مدن می‌پردازد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۳۷-۲۳۸) این نوع تقسیم نیز نشان از اهمیت فضیلت در نگاه اوست. او مراتب جامعه را نیز بر اساس فضیلت تبیین می‌کند به طوری که در رأس ارکان مدینه جماعتی اهل فضایل و حکمای کامل می‌باشند و در تعقل ممتاز هستند که به ایشان افاضل گویند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۳) (برای مطالعه بیشتر پیرامون فضیلت ر. ک به دینانی، ۱۳۹۹: ۱۴۳-۱۸۱)

۲- امامت

در اندیشه او امام محور تأمل‌ورزی نظام سیاسی مطلوب می‌باشد. (یوسفی‌راد، ۱۳۹۰: ۴۳) تا آنجا که نظریه عدالت او به‌عنوان اکمل فضایل، حول محور امام یا رئیس اول مدینه با نگرش شیعی سامان می‌یابد. (نانسی؛ آذین؛ گلشنی، ۱۳۹۶: ۷۵) او با توضیح وجوب نصب امام، عصمت امام و ... به تبیین اصل امامت در مذهب شیعه اثناعشری می‌پردازد. (ر. ک به نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۹-۲۹۶)

حفظ و تداوم عدالت در نظر خواجه نصیر به سه چیز وابسته است: «ناموس الهی، حاکم انسانی و دینار.» حاکم انسانی یعنی امام و جانشینان امام که بر اساس قانون و با کاربرد دینار باید در میان بخش‌های مختلف جامعه توازن و تعادل را برقرار نماید. (نانسی، آذین، گلشنی، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۷)

۳- عدالت

خواجه نصیرالدین طوسی قوام مملکت را به عدالت پیوند می‌دهد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۱-۲۶۲) در اندیشه او عدالت، اکمل فضایل انسانی است (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۱۷) که موجب شکل‌گیری و تداوم نظام سیاسی است. عدالت موجب ایجاد وحدت می‌گردد. اگر جامعه از محبت تهی شود، عدالت است که نظام را محافظت می‌نماید. از نظر او مهم‌ترین کار ویژه دولت، ایجاد عدالت است. اگر عدالت محقق شود، قانون‌گرایی، صداقت، محبت، آزادی و احترام و سایر صفات اخلاقی نیز وجود خواهد داشت؛ چون عدالت اکمل فضایل است. از طرف دیگر هر وقت کسی در جایگاهی باشد که مستحق آن است و به حقوق و تکالیف خود عمل نماید، طغیان و عصیان باقی نمی‌ماند. (خراسانی، ۱۳۸۲: ۸۵) اگر عدالت کنار گذاشته شود، فساد ایجاد خواهد شد و ریاست، تغلبی می‌گردد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۲۷)

۴- حکمت

جایگاه حکمت در نگاه خواجه بدان حد است که رأس نظام سیاسی مطلوب وی، حکیم الهی است. (یوسفی‌راد، ۱۳۹۰: ۳۴) از نظر او حکمت دو قسم است: علم و عمل. حکمت علم را این‌گونه تعریف می‌کند: «تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام و لواحق آن‌چنان که فی نفس الامر باشد به قوت انسانی.» حکمت عملی در اندیشه او به معنی ممارست در عمل و کوشش نمودن در صناعاتی است که آنچه انسان را از نقص به کمال می‌رساند، از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل می‌کند. کسی که این‌گونه باشد حکیمی کامل و انسانی فاضل است: ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (بقره، ۲۶۹) (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۷-۶) حکمت نظری در نگاه وی به سه قسم تقسیم می‌شود: علوم مابعدالطبیعه، ریاضی و علم طبیعی؛ (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۷) و حکمت عملی نیز بر سه قسم است: تهذیب اخلاق، تدبیر منازل، سیاست مدن. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۹)

۵- محبت

خواجه معتقد است که انسان به تنهایی نمی‌تواند به کمال برسد و چون انسان بالطبع خواهان کمال است، پس مشتاق الفت و تألیف نیز هست. محبت بر عدالت، افضلیت دارد و علت، آن است که عدالت مقتضی اتحاد صناعی است و محبت مقتضی اتحاد طبیعی است؛ (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۱۶-۲۱۷) از طرف دیگر اگر محبت میان اشخاص باشد، نیازی به انصاف نیست و بنابراین محبت بر عدالت فضیلت خواهد داشت. چون انصاف مشتق از نصف است یعنی منصف متنازع فیه را با صاحب خود مناصفه می‌کند. «تنصیف از لواحق تکثر است و محبت از اسباب اتحاد.» بنابراین فضیلت محبت بر عدالت معلوم است. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۱۷) اگر محبت بین مردم و فرمانروایان زیاد باشد، تداوم حکومت بیشتر شده و نه تنها در برابر حکومت عصیان می‌کنند، بلکه خود حافظ آن خواهند بود. در این صورت به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و حافظ حقوق یکدیگر می‌شوند. (خراسانی، ۱۳۸۲: ۸۳) محبت تا بدان اندازه مورد تأکید قرار گرفته است که حاکم می‌تواند از بیت‌المال به‌عنوان «تألیف قلوب» به کفار کمک مالی بکند تا با محبت دل آن‌ها را به اسلام سوق بدهد. (خراسانی، ۱۳۸۲: ۸۴)

۶- وحدت

از نظر خواجه بنای دولت بر اتحاد و اتفاق استوار است. او دو عامل را موجب حفظ دولت می‌داند: «یکی تألف اولیاء و دیگری تنازع اعداء.» (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۱) اگر این وحدت و اتحاد در مسیر محمود و پسندیده باشد، دولت حق است و در غیر این صورت، دولت باطل است. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۰-۲۶۱) از نظر او اهل مدینه فاضله در حقیقت متفق هستند و مانند نفس واحده هستند؛ حتی اگر در سرزمین‌های مختلفی باشند. ملوک ایشان باید در وضع قانون و نوامیس و در وضع مصالح تصرف کنند. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۲)

اصول تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

در اندیشه خواجه نصیر می‌توان به اصول زیر در زمینه تربیت زمامدار اشاره کرد:

۱- برابری و تعادل در گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه

خواجه می‌گوید که مردم چهار گروه هستند که مانند چهار مزاج باید در تعادل با یکدیگر باشند تا عدالت محقق شود. این چهار گروه عبارتند از: اهل قلم مانند فقها و قضات و مهندسان و

منجمان و ... که قوام دین و دنیا به ایشان است (به مثابه عنصر آب)؛ اهل شمشیر که عامل نظم و نگهبانان دولت هستند (به منزله عنصر آتش)؛ اهل معامله و تجار (به مثابه هوا)؛ اهل زراعت (به منزله عنصر خاک). (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۱-۲۶۲)

۲- تعدیل مراتب به اندازه استحقاق و استعداد هر فرد

خواجه ملاک استحقاق و استعداد افراد را با طبع افراد که خیر است یا شر پیوند می‌زند. بر این اساس مردم پنج گروه هستند: ۱- افرادی که طبع آن‌ها خیر است و خیر ایشان به دیگران برسد، باید نزدیک‌ترین افراد به پادشاه باشند. ۲- کسانی که طبعشان خیر است ولی به خیر آن‌ها دیگران را شامل نمی‌شود، این افراد را باید عزیز بشمارد. ۳- افرادی که طبع آن‌ها نه خیر است و نه شر، این افراد را باید ایمن داشت و به خیر تحریض و تشویق کرد تا به حد استعداد خود به کمال برسند. ۴- افرادی هستند که شریر می‌باشند ولی شر آن‌ها به دیگران نمی‌رسد، این افراد را باید تحقیر کرد و با بشارت و انذار، از طبع شر بازگرداند و آلا در خواری می‌مانند. ۵- گروهی هستند که طبع آن‌ها شر است و شر ایشان به دیگران می‌رسد که پست‌ترین خلق می‌باشند که از طریق ادب، مدارا کردن، حبس، قید، تبعید و ... با او مواجه شد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۲-۲۶۴)

۳- تساوی در خیرات مشترک پس از تعدیل در مراتب

پس از آنکه اصل تعدیل در مراتب عملی شد، باید مردم در خیرات مشترک چون اموال و کرامات و ... تساوی را رعایت نمود و پس از آن بر این امر محافظت کرد که حق کسی توسط دیگران از بین نرود. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۴-۲۶۵)

۴- احسان بر مردم پس از فراغت از قوانین عدالت

زمامدار باید پس از فراغت از قوانین عدالت، بر مردم احسان کند. شرط احسان این است که هیبت پادشاه رعایت شود. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۵-۲۶۶)

۵- فضیلت‌مداری

وی با وجود اینکه ابوت را برای زمامداری دارای اثرات زیاد می‌داند، اما آن را ضروری نمی‌داند (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹) ولی می‌گوید چنانچه فردی صاحب فضیلت نباشد، لیاقت مسئولیت را ندارد. کمال چنین فردی چنانچه تحت تربیت افاضل باشد، امکان‌پذیر

می‌باشد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۶) این بیان نشان از اهمیت فضیلت‌مداری در تربیت زمامدار در نگاه است.

۶- محبت پدران و فرزندی

خواجه در کنار بیان انواع محبت‌ها می‌گوید محبت پادشاه نسبت به مردم باید محبت پدران باشد و محبت رعیت نسبت به پادشاه، محبت فرزندی باشد. به تعبیری دیگر ملک و پادشاه نسبت به مردم باید در مسیر شفقت و لطف و تعهد و تربیت و طلب مصالح و دفع مکاره و جذب خیر و منع شر باشد و رعیت نسبت به پادشاه مانند پسران عاقل، باید اطاعت و نصیحت و تعظیم داشته باشند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۲۷)

۷- حفظ اتحاد با تبعیت از مدبر مدینه فاضله

در نگاه خواجه نصیر بنای دولت بر اتحاد و اتفاق استوار است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۱) راه رسیدن به وحدت نیز اقتدا به مدبر مدینه فاضله است. اهل مدینه فاضله تا وقتی که به فاضل اول که مدبر مدینه فاضله است، اقتدا کنند، بین آن‌ها دشمنی و تعصب نباشند، هر چند که در مذهب و ملت متفاوت باشند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۱) در غیر این صورت قوه غضبیه بر قوه ناطقه غلبه می‌کند و دشمنی و مخالفت در بین آن‌ها حادث شده و در نبود وی هر کس ادعای ریاست خواهد کرد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۱)

۸- ثبات اراده و عزم

از نظر او تا زمانی دولت تداوم دارد که اراده و عزم‌ها ثابت و مستقر باشد، وقتی که رغبت قوم به سمت اموال و آسایش و راحتی و ... برود، از صولت دولت کاسته می‌شود. در این حالت یا دشمن بر ایشان غالب می‌شود یا اینکه بین آن‌ها اختلاف و تنازع به وجود می‌آید و موجب انحطاط دولت می‌شود. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۰-۲۶۱)

۹- عدم قدرت‌طلبی و تفوق‌خواهی

زمامدار در اندیشه خواجه نصیر به دنبال کسب قدرت و غلبه و تفوق نیست. حتی در جنگ هم اگر مجبور به شروع جنگ هم بشود، هدف او تفوق‌طلبی نیست، بلکه خیر محض را طلب

می‌کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۸) خواجه مبتنی بر همین اصل به نقد مدینه تغلب می‌پردازد زیرا برای ایشان قهر و غلبه موضوعیت دارد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۰-۲۵۲)

۱۰- لزوم حفظ عزت و هیبت پادشاه

یکی دیگر از اصول حفظ هیبت پادشاه است که خواجه به آن اشاره دارد. ابوت به نسبت حسب موجب هیبت او و گرایش دل‌ها به سوی او می‌گردد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹) وی می‌گوید به وقت احسان می‌بایست هیبت پادشاه رعایت شود، چون در غیر این صورت موجب ناسپاسی و حرص و طمع شود. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۵-۲۶۶) او در همین راستا می‌گوید خود پادشاه در حد امکان نباید در جنگ شرکت کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۸) اما باید به این نکته توجه کرد که اشاره به حفظ هیبت پادشاه به معنی محوریت و اصالت دادن به آن نیست که اصول دیگر تحت شعاع آن قرار گیرد. به همین دلیل در اندیشه خواجه یکی از خصوصیات سلبی زمامدار شکوه‌طلبی او است؛ یعنی اینکه بخواهد مدح و اجلال او در قول و فعل، در دیگر امت‌ها و بعد از او رایج باشد و از او یاد کنند. این ویژگی زمامدار مدینه کرامت (به عنوان یکی از مدن جاهله) است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۸-۲۵۰)

۱۱- دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی

در اندیشه خواجه اولین وظیفه زمامدار در ارتباط وی با دشمنان اشراف و آگاهی بر دشمنان و وقوف بر تصمیم ایشان است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷-۲۶۸) البته زمامدار تا بتواند باید با تدبیر، دشمنان را متفرق و مستأصل نموده و مانع جنگ شود. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۹) اگر مجبور به جنگ شد و شروع کننده باشد، باید نیت او خیر محض باشد نه تفوق و غلبه و تا مطمئن به پیروزی نباشد و لشکر متحد نداشته باشد، اقدام به جنگ نکند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۸) پادشاه در حد امکان نباید در جنگ شرکت کند که اگر شکست بخورند، نمی‌توان جبران کرد و اگر پیروز شوند، خللی که به هیبت ملک راه می‌یابد، قابل جبران نیست. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۸) او توصیه‌هایی برای انتخاب فرمانده نظامی و انتخاب مکان (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۹) دارد. وقتی که پادشاه در جنگ پیروز شد نباید از تدبیر و احتیاط و حزم خود بکاهد و عفو پیشه کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۷۰)

ویژگی‌های زمامدار مطلوب در اندیشه خواجه نصیر

می‌توان گفت خواجه با دو رویکرد به ویژگی‌های زمامدار مطلوب می‌پردازد: رویکرد ایجابی و سلبی. با بررسی این ویژگی‌ها و احصاء آن می‌توان زمامدار مطلوب در اندیشه خواجه نصیر را تبیین کرد.

خواجه معتقد است که ملک باید هفت خصلت و ویژگی داشته باشد: ۱. ابوت؛ به این معنا که حسب و شرافت خانوادگی موجب هیبت او و گرایش دل‌ها به سوی او می‌گردد. ۲. همت بلند که ناشی از تهذیب قوای نفسانی و تعدیل غضب و قمع شهوت است. ۳. استواری و متانت رأی که ناشی از «نظر دقیق، جودت فطرت، بحث بسیار، فکر صحیح، تجارب مرضی و اعتبار از حال گذشتگان» است. ۴. عزم و اراده قوی که از ترکیب نظر و رأی صحیح و ثبات به دست می‌آید؛ این خصلت باب اصلی در نیل به خیرات و عامل کسب هر فضیلت و اجتناب از هر رذیلت است و ملوک از همه خلق به آن محتاج‌تر هستند. ۵. صبر بر شداید که کلید همه خواسته‌ها است. ۶. توانگری که در مال مردم طمع نکند. ۷. یاران و اعوان صالح. در این شرایط ابوت ضروری نیست، اگرچه اثر زیادی دارد. توانگری و یاران صالح نیز به وسیله همت بلند و عزم و اراده و استواری رأی و صبر به دست می‌آید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹)

او علاوه بر هفت ویژگی ملک، ذیل تبیین سیاست فاضله و ناقصه به ویژگی‌های دیگری برای زمامدار می‌پردازد. وی همچنین چهار حالت را برای ریاست عظمی طرح می‌کند و ذیل آن به ویژگی مطلوب زمامداران اشاره می‌کند. خواجه نصیر در جای دیگر ذیل موضوع مدن فاضله و غیرفاضله، به تبیین ریاست و زمامداری این مدن می‌پردازد و از این طریق ویژگی‌های زمامدار مطلوب و نامطلوب را طرح می‌کند. در این محورها خواجه نصیر به صورت مبسوط به ویژگی‌های زمامداران می‌پردازد.

البته خواجه ذیل موضوعات دیگر نیز اشاره‌ای به برخی از خصوصیات زمامداران می‌کند. از جمله وی به زمامدار به عنوان طبیب جامعه تأکید می‌کند که بتواند مریضی جامعه را درمان کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۰) طالب علم بودن و ویژگی مطلوب دیگر برای زمامدار است ولی طالب ثار بودن، مذموم است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۹) خواجه می‌گوید مهم‌ترین عامل فساد رأی و نظر ملوک این است که فکر کند باید بر ساعت راحتی خود بیفزاید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷)

وی همچنین می‌گوید پادشاه باید برای فرمانده نظامی فردی را بل سه ویژگی شجاعت و قوی‌دلی، صاحب رأی صائب و تدبیر و صاحب تجربه را انتخاب کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۹)

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان در قالب جداول زیر ویژگی‌های سلبی و ایجابی زمامدار مطلوب در اندیشه خواجه را احصاء نمود:

جدول ۲. ویژگی‌های ایجابی زمامدار مطلوب

ویژگی‌های ایجابی زمامدار	محورهای موضوعی
۱. ابوت ۲. همت بلند ۳. استواری و متانت رأی ۴. عزم و اراده قوی ۵. صبر بر شداید ۶. توانگری ۷. یاران و اعوان صالح	ویژگی‌های ملک
۱. عدالت در رفتار ۲. دوست دانستن مردم ۳. مالک بودن بر شهوات	سیاست فاضله
مستجمع چهار ویژگی: ۱. حکمت ۲. تعقل ۳. توانایی اقناع ۴. توانایی جهاد	ریاست حکمت اهمیت ریاست عظمی انواع ریاست

ویژگی‌های ایجابی زمامدار	محورهای موضوعی	
ویژگی‌های ریاست حکمت در چهار نفر جمع باشد.	ریاست افاضل	انواع ریاست عظمی
۱. شناخت به سنت‌های رؤسای گذشته ۲. استفاده از سنت‌ها در جای خود ۳. استنباط سنت‌ها در موارد غیرصریح ۴. توانایی خطابه و اقناع ۵. قدرت جهاد	ریاست سنت	
ویژگی‌های ریاست سنت در چند نفر جمع باشد.	ریاست اصحاب سنت	
۱. توانایی طبابت جامعه ۲. طالب علم بودن	سایر	

جدول ۳. ویژگی‌های سلبی زمامدار مطلوب

ویژگی‌های سلبی زمامدار	محورهای موضوعی	
۱. ظلم و تمسک به جور ۲. مردم را بنده و عبید دانستن ۳. بندگی شهوات	سیاست ناقصه	
۱. توانایی فراهم کردن ضروریات ۲. تواناترین در رسیدن به ضروریات ۳. داشتن نیروی بدنی بیشتر	مدینه ضرورت	رؤسای مدن جاهله
کامل‌ترین برای کسب اموال و حفظ آن	مدینه نذالت	
یاری‌رسان به مردم جهت تمتع از لذات محسوس بیش از بقیه	مدینه خست	
داشتن اهلیت بیشتر برای کرامت	مدینه کرامت	

ویژگی‌های سلبی زمامدار	محورهای موضوعی	
۱. نزدیک‌تر بودن تدبیر او به نتیجه از جهت مقاتله و مکر و غدیر ۲. توانایی غلبه بیشتر بر دشمنان	مدینه تغلب	رؤسای مدن جاهله
۱. آزاد گذاشتن مردم ۲. دور کردن شر دشمنان از مردم ۳. اکتفا کردن به شهوت خود به اندازه ضرورت	مدینه حریت یا جماعت	
۱. طالب ثار بودن ۲. راحت طلبی	سایر	

روش‌های تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

در اندیشه وی می‌توان روش‌های زیر را برای تربیت زمامدار در نظر گرفت:

۱- تکریم و تعظیم

از جمله روش‌هایی که خواجه نصیر برای تربیت زمامدار مدنظر دارد، تکریم و تعظیم زمامداران است. به طور مثال وی تأکید می‌کند که باید مرزداران را اکرام نمود و از تکریم ایشان غفلت نکرد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۶)

۲- مجالست با اهل نظر و مشورت با صاحبان عقل

زمامدار باید با اهل فضل و نظر مجالست کند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۶). خواجه در کنار اینکه تأکید دارد که زمامدار باید اسرار را پوشیده دارد تا بتواند بهتر تصمیم بگیرد، می‌گوید البته او باید با صاحبان عقل مشورت نماید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷) همچنین لازم است به هنگام تصمیم‌گیری، دو طرف موضوع در رد و اثبات آن را در نظر بگیرد تا تصمیم بهتری را اتخاذ نماید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷)

۳- تحمل سختی‌ها و پرهیز از راحتی

خواجه نصیر معتقد است که مهمترین عامل فساد رأی پادشاهان این است که در فکر راحتی خود باشند، در حالی که باید زمان‌های مربوط به امور ضروری مانند خوردن و خوابیدن و ... را نیز کاهش دهد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷) بنابراین می‌توان گفت تحمل سختی‌ها و پرهیز از راحتی از روش‌های تربیت زمامدار در اندیشه وی می‌باشد.

۴- تشویق و صلہ

خواجه توصیه می‌کند که حاکم باید در اعطای صلہ و ثنای کسی که در جنگ شجاعتی از خود نشان داده است، تأکید و مبالغه کرد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۹) پس تشویق و صلہ از دیگر روش‌های تربیت زمامدار در نگاه خواجه نصیر است.

۵- شایسته‌گزینی

شایسته‌گزینی از روش‌های تربیتی برای زمامداران است که خواجه نصیر به آن توجه می‌دهد. در نگاه او یکی از ملاک‌های شایسته‌گزینی، توجه به رتبه ریاست و زمامداری است. خواجه می‌گوید رئیس مدینه فاضله باید به هر کس متناسب با خود او رتبه ریاست یا خدمت دهد. بعضی از اقوام اهلیت ریاست نخواهند داشت. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۱)

وی در این زمینه تأکید می‌کند یک نفر را نباید به کارهای مختلف گمارد، چون کارها مختل می‌ماند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۵) اگر یک نفر در دو کار تخصص داشته باشد، او را به کار برتر گمارد و از دیگران منع کند. وقتی هر کس به کاری که مناسب او باشد، مشغول شود، تعاون حاصل خواهد شد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۵-۲۴۶)

۶- نصیحت و نظارت مردمی

خواجه می‌گوید محبت رعیت نسبت به پادشاه، باید محبت فرزندی باشد. به تعبیری دیگر رعیت نسبت به پادشاه مانند پسران عاقل، باید اطاعت و نصیحت و تعظیم داشته باشند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۲۷) بر این اساس مردم باید با نصیحت و البته در کنار آن با تعظیم و محبت نسبت به زمامدار جهت تربیت وی گام بردارند.

عوامل مؤثر بر تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

در اندیشه خواجه نصیر، عوامل زیر در تربیت زمامدار مؤثر است:

۱- یاران و اعوان صالح

از نظر او یکی از این عوامل مؤثر در تربیت زمامداران یاران و اعوان صالح هستند که به وسیله همت بلند و عزم و اراده و استواری رأی و صبر به دست می‌آید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹)

۲- توانگری در مال

یک از عوامل مؤثر در تربیت زمامدار توانگری است. توانگری باعث می‌شود که در مال مردم طمع نکند. توانگری از طریق همت بلند و عزم و اراده و استواری رأی و صبر به دست می‌آید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹)

موانع تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر

موانع تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر به شرح زیر است:

۱- شهوت پرستی و لذت‌مداری

خواجه به نقد زمامدار مدینه خست (به‌عنوان یکی از مصادیق مدن جاهله) می‌پردازد. در این مدینه مردم در پی تمتع از لذات محسوس چون خوردن و آشامیدن و منکوحات و ... هستند و هدف آن‌ها کسب لذت است. زمامدار در این مدینه کسی است که در این امر بیشتر کمک‌کار باشد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۷) بنابراین یکی از موانع درونی در جهت تربیت زمامدار لذت‌مداری است. چراکه یکی از ویژگی‌های سائس ظالم آن است که بنده شهوات خود است؛ لذا زمامدار باید به لذاتی که خاص نفس وی هستند، توجه نکند و با تهذیب قوای نفسانی و تعدیل غضب و قمع شهوت صاحب همت بلند گردد. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۶۶)

۲- رفاه‌زدگی

رفاه‌زدگی مانع دیگری در تربیت زمامدار است. این خصوصیت در زمامدار مدینه نذالت (از مصادیق مدن جاهله) بروز و ظهور دارد. ویژگی زمامدار مدینه نذالت این است که توانا تر از بقیه در جمع ثروت و زر و سیم است و این امر برای او هدف است. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۷)

۳- محوریت مادیت و جسمانیت

مانع دیگر در مسیر تربیت زمامدار این است که هدف وی افزایش توانایی برای اکتساب موارد ضروری جهت قوام بدن باشد. خواجه نصیر این مورد را ذیل تبیین زمامدار مدینه ضروری طرح می‌کند. زمامدار مدینه ضروری چون نیروی بدنی او بیشتر از بقیه است، بهتر می‌تواند مردم مدینه را به هدف آن‌ها که همان محوریت جسمانیت باشد، نزدیک نماید. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۶)

۴- محوریت جلال و شکوه

از دیگر موانع در این زمینه این است که زمامدار طالب کرامت باشد یعنی اینکه بخواهد مدح و اجلال او در قول و فعل، در دیگر امت‌ها و بعد از او رایج باشد و از او یاد کنند. او زمامدار مدینه کرامت است. او از طریق جمع ثروت و انفاق در پی کسب کرامت است. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۴۸-۲۵۰) هیبت و شکوه برای زمامدار در اندیشه خواجه مذموم نیست، بلکه اصل و محور بودن آن ناپسند بوده و مانع تربیت وی می‌باشد.

۵- عوام‌زدگی و لابی‌گری

آزادی بی‌حد و حصر از دیگر موانع تربیت زمامداران است که در مدینه حریت جلوه‌گر می‌گردد. خواجه در مقام نقد این مدینه می‌گوید هر شخص در آن آزاد است که هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. چون رئیس همان کاری را می‌کند که مردم بخواهند لذا جمهور مدینه بر رئیس غالب می‌باشند. مردم کسی را به‌عنوان زمامدار مطلوب می‌پسندند که در آزادی مردم کوشش کند و ایشان را آزاد بگذارد و آن‌ها را از شر دشمنان دور بدارد و در شهوت خود به اندازه ضرورت اکتفا کند. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۲-۲۵۴)

۶- راحت‌طلبی

خواجه معتقد است که مهم‌ترین عامل فساد رأی و نظر ملوک این است که فکر کند باید بر ساعت راحتی خود بیفزاید، در حالی که باید زمان‌های مربوط به امور ضروری مانند خوردن و خوابیدن و ... را کاهش دهد. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۷) بر این اساس راحت‌طلبی یکی دیگر از موانع تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین می‌باشد.

۷- تغلب و برتری‌طلبی

در مدینه تغلب که یک نوع از مدن جاهله است، تعاون آن‌ها با این هدف است که برای خون ریختن یا کسب اموال یا به بندگی گرفتن بر دیگری غلبه کنند. برای ایشان قهر و غلبه بر تصرف بر مال و خون و ... موضوعیت دارد. (خواجه‌نصیر، ۱۴۱۳: ۲۵۰-۲۵۲) پس مانع دیگر برای تربیت زمامداران تغلب و برتری‌طلبی است.

۸- ساعیان و سخن چینان

ساعیان و سخن چینان از جمله موانع بیرونی تربیت زمامداران هستند که خواجه به زمامدار توصیه می‌کند که به سعایت ساعیان توجه نکند. (خواجه نصیر، ۱۴۱۳: ۲۶۶)

نتیجه‌گیری

در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی هدف غایی تربیت زمامدار سعادت و تکمیل خلق است. هدف میانی در نگاه او عدالت و نیل به خیرات عامه (امنیت و آرامش و مودت با یکدیگر، عدل، عفاف، لطف و وفا و ...) است.

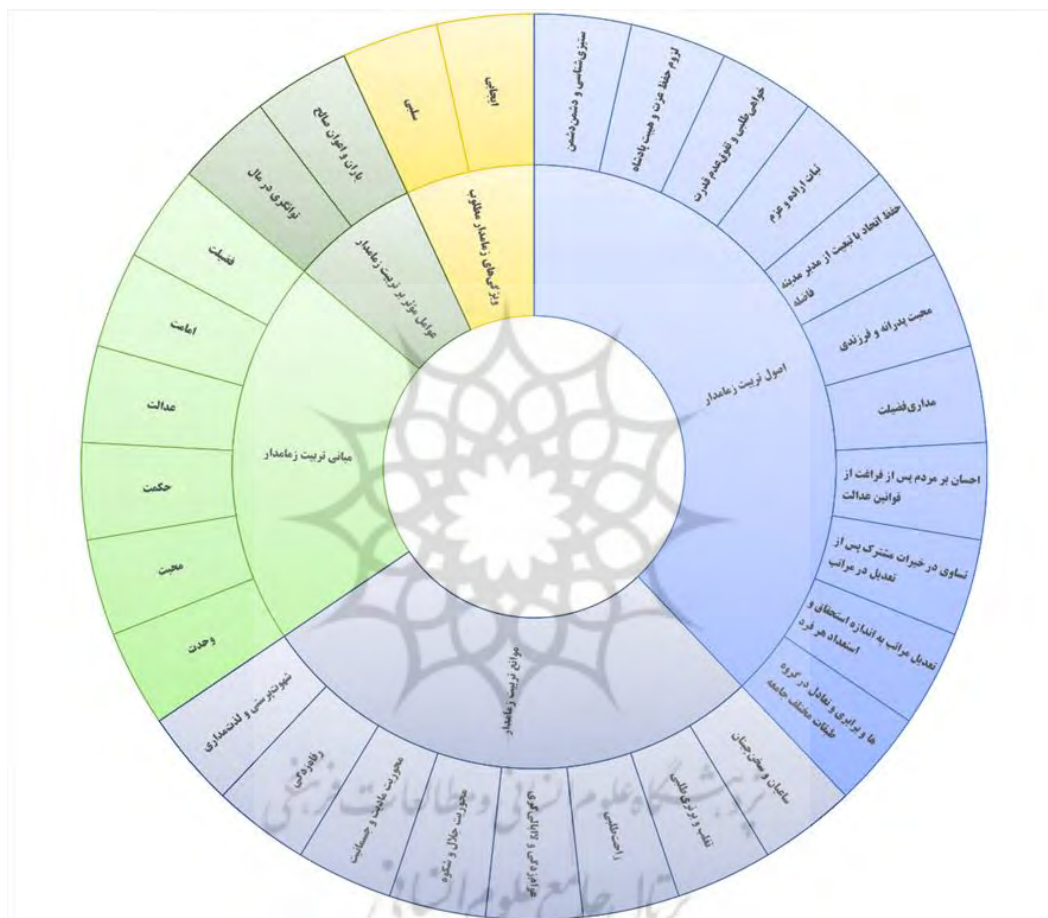
مبانی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر عبارتند از: فضیلت، امامت، عدالت، حکمت، محبت و وحدت. اصول تربیت زمامدار در اندیشه وی شامل برابری و تعادل در گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه، تعدیل مراتب به اندازه استحقاق و استعداد هر فرد، تساوی در خیرات مشترک پس از تعدیل در مراتب، احسان بر مردم پس از فراغت از قوانین عدالت، فضیلت‌مداری، محبت پدران و فرزندی، حفظ اتحاد با تبعیت از مدبر مدینه فاضله، ثبات اراده و عزم، عدم قدرت‌طلبی و تفوق‌خواهی، لزوم حفظ عزت و هیبت پادشاه و دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی می‌باشد.

با توجه به اینکه خواجه نصیر ویژگی‌های زمامدار مطلوب را در مصادیق مختلف در دو بخش ویژگی‌های ایجابی و سلبی ارائه می‌کند، می‌توان ویژگی‌های محوری زمامدار در نگاه وی را همان هفت ویژگی ملک دانست که به بدین شرح نام می‌برد: ابوت، همت بلند، استواری و متانت رأی، عزم و اراده قوی، صبر بر شداید، توانگری و یاران و اعوان صالح.

روش‌های تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر شامل تکریم و تعظیم، مجالست با اهل نظر و مشورت با صاحبان عقل، تحمل سختی‌ها و پرهیز از راحتی، تشویق و صلح، شایسته‌گزینی، نصیحت و نظارت مردمی است. در نگاه او یاران و اعوان صالح و توانگری در مال جزو عوامل مؤثر بر تربیت زمامدار در اندیشه او است. طبق اندیشه وی شهوت‌پرستی و لذت‌مداری، رفاه‌زدگی، محوریت مادیت و جسمانیت، محوریت جلال و شکوه، عوام‌زدگی و لابلالی‌گری، راحت‌طلبی، تغلب و برتری‌طلبی و ساعیان و سخن چینان جزو موانع تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر است.

طبق آن چه گفته شد، می‌توان الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیر را در نمودار زیر نشان

داد:



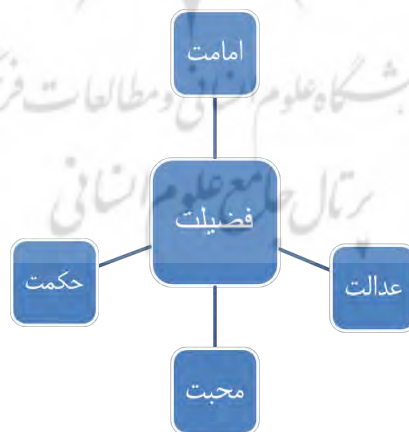
نمودار ۱. الگوی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین

در مقام جمع‌بندی اندیشه خواجه نصیرالدین می‌توان گفت الگوی تربیت زمامدار در اندیشه وی بر پنج رکن استوار است: فضیلت، امامت، حکمت، عدالت و محبت. فضیلت را می‌توان محور سه رکن حکمت، عدالت و محبت در نظر گرفت. به عبارت دیگر تربیت زمامدار در نگاه او

«فضیلت مدار» است. اهمیت فضیلت در سیاست مطلوب (سیاست فاضله)، مدینه مطلوب (مدینه فاضله) و مهم ترین رکن مدینه فاضله (اهل فضایل) خود را نشان می دهد. فضیلتی که در مقام تربیت زمامدار در مرکزیت سه رکن حکمت، عدالت و محبت قرار دارد. او عدالت را از اکمل فضایل انسانی و مهم ترین کارویژه دولت می داند. حکمت را مهم می داند به طوری که رأس نظام سیاسی مطلوب وی، حکیم الهی است که قوه تمیز و ادراکش از مفاهیم و معقولات سیاسی و غیرسیاسی در حکمت نظری و عملی از همه مردمان قوی تر است. او محبت افضل از عدالت می داند که موجب استحکام رابطه مردم با یکدیگر و مردم با فرمانروایان می گردد.

اما همان طور که گفته شد خواجه توجه ویژه به امامت و شخص امام به عنوان راهبر و هادی جامعه دارد و در اندیشه او امام محور تأمل ورزی نظام سیاسی مطلوب می باشد. در نگاه او ارتباط تنگاتنگ بین «فضیلت» و «امامت» مشهود است. این درهم تنیدگی در تعریف سیاست فاضله هم دیده می شود که نام دیگر سیاست فاضله را امامت می گذارد. از طرف دیگر بین فضایل با امامت نیز ارتباط برقرار می کند. از جمله در نگاه او عدالت حول محور امام یا رئیس اول مدینه با نگرش شیعی سامان می یابد. با توجه به نگاه شیعی خواجه نصیر می توان امامت را قله و آرمان تربیت زمامدار دانست.

پس می توان گفت حکمت، عدالت و محبت با مرکزیت فضیلت، به سمت قله امامت اندیشه تربیت زمامدار وی را شکل می دهند.



نمودار ۲. ارکان اصلی تربیت زمامدار در اندیشه خواجه نصیرالدین

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۹۹)، نصیرالدین طوسی، فیلسوف گفتگو، ناشر هرمس.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۲، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر ج ۶، چاپ سوم.
- اعرافی، علیرضا؛ موسوی، سید نفی، (۱۳۹۱)، تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. تربیت اسلامی، ۷(۱۴).
- امینی، سمانه، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی مبانی نظریه حکومت در آراء خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی (استاد راهنما: رضا رسولی شریانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران.
- باقر ناهید، (۱۳۹۵)، بررسی اندیشه‌های سیاسی میرسیدعلی همدانی و مقایسه آن با اندیشه‌های خواجه نصیر و نجم رازی (استاد راهنما: مهدی نجفی افرا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- باقری، خسرو، (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: کاوشی برای تدوین چهارچوب نظری تربیت اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ج ۱-۲، چاپ بیست و شش.
- پاک، محمدرضا، (۱۳۸۶)، درآمدی تاریخی بر حکمت سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی. نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، ۲(۱۱): ۳۰-۳۳.
- جنگل‌نورد، اکرم، (۱۳۹۷)، حکمت عملی از منظر ابن مسکویه و خواجه نصیرالدین طوسی (استاد راهنما: محمدجواد شمس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی.
- خراسانی، رضا، (۱۳۸۲)، پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی، علوم سیاسی، (۲۳): ۷۳-۸۸.
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، (۱۴۰۷ ق)، تجرید الاعتقاد، (محقق: محمدجواد حسینی جلالی)، تهران: مکتب الإعلام الإسلامی.
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، اخلاق ناصری، بی‌جا: انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۸، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه، چاپ اول.
- رحیمی، علیرضا، (۱۳۸۹)، تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا: ارائه‌ی نظریه‌ای تربیتی مبتنی بر مفهوم بصیرت، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- رضوانی، محسن، (۱۳۸۱)، دولت کارآمد در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی. نشریه معرفت، (۵۵): ۳۵-۴۶.

- رمضانی دانا، سمیه، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی آموزه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان؛ ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون (استاد راهنما: احمد آقازاده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- رمضانی خردمردی، حسین، (۱۳۸۶)، مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم.
- زنگیوند درویشوند، زینب، (۱۳۹۷)، فلسفه سیاسی از منظر اخوان‌الصفاء و خواجه نصیرالدین طوسی (استاد راهنما: محمد جواد شمس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی.
- شریعت، جهانگیر، (۱۳۹۸)، کارویژه‌های دولت از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی (با تأکید بر امنیت نظامی)، نشریه امنیت پژوهی، (۶۶): ۹۹-۱۲۴.
- شریعت، فرشاد؛ نادری باب اناری، مهدی، (۱۳۹۰)، جدال اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی، پژوهشنامه علوم سیاسی، (۱) ۷: ۸۷-۱۱۶.
- شیروانی، میثم، (۱۳۹۶)، نخبه‌گرایی کلاسیک: مطالعه‌ی فارابی، ابن‌باجه و خواجه نصیرالدین طوسی (استاد راهنما: احمد نقیب زاده)، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان، (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی، راهبرد فرهنگ، شماره بیست و نهم.
- عبداله‌زاده بغلانی، بشری، (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل حکمت عملی در شاهنامه‌ی فردوسی بر اساس اخلاق ناصری (استاد راهنما: حسن حیدری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- علم‌الهدی، جمیله، (۱۳۸۹)، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ دوم.
- عمو عبداللهی، فاطمه، (۱۳۹۳/۸/۲۴)، «الگو»، نقل در پایگاه مجازی دانشنامه پژوهی پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.
- قانع‌فر، علی، (۱۳۹۶)، بررسی رویکرد اخلاقی تربیتی سیاست‌مُدن در دو کتاب اخلاق ناصری و نصیحه الملوک بر مبنای قرآن و روایات (استاد راهنما: علی عابدی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- قائم‌مقدم، محمدرضا، (۱۳۸۲)، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی (چاپ اول)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- قنبری نژاد جهرمی، مریم، (۱۳۸۶)، فلسفه سیاسی ابن‌سینا و مقایسه با آراء فارابی و خواجه نصیر (استاد راهنما: مهدی زمانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران.

کائیان، امیرحسین، (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی نظریه دولت در اندیشه ماوردی و خواجه نصیرالدین طوسی (استاد راهنما: اسمعیل حسینی گلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، ج ۷۵، چاپ دوم.
مرتضایی، علی، (۱۳۷۰)، فلسفه سیاسی ابن سینا و آراء آن با خواجه نصیرالدین طوسی (استاد راهنما: جواد طباطبائی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

مصباح‌یزدی، محمدتقی و نویسندگان، (۱۳۹۴)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، چاپ سوم.

مطهری، مرتضی، (۱۳۶۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات الزهرا.
منتظری، بهرام، (۱۳۸۶)، پیوستگی دین و سیاست در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، نشریه فرهنگ، (۶۱ و ۶۲): ۴۰۵-۴۵۴.

میرهادی، سیدمهدی، (۱۳۷۲)، تأملی در تعریف و مفهوم تربیت. تربیت، ۸ (۷۹).
نادری باب اناری، مهدی، (۱۳۸۹)، نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولوماکیاولی (استاد راهنما: فرشاد شریعت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

نانسی، نصرالدین؛ آذین، احمد؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۶)، نظریه عدالت سیاسی در آرای خواجه نصیرالدین طوسی، سیاست متعالیه، (۱۸): ۶۹-۸۸.

نجوم، فراح الدین، (۱۳۹۹)، نظریه‌ی حکومت در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک، نصیحه‌الملوک غزالی، گلستان سعدی و اخلاق ناصری (استاد راهنما: محمد علی خالدیان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، جامعه المصطفی العالمیه، واحد گرگان.

یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی خواجه نصیر، در علی‌اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ج ۴.



پرتال جامع علوم انسانی